

حرف

ابتدای کربلا غدير بود

است. مگر نمی‌گویند اسلام حسینی الحدوث است این ماندگاری تنها با فواره زدن خون حنجر فرزند علی باقی می‌ماند. ابتدای کربلا غدير است آنان که در کنار چشمه غدير جمع آمدند تشنگی را از همان روز تجربه کردند و ما که شیعیان آن داغیم غدير را از آن جهت می‌ستاییم که خداوند به واسطه آن اثبات حکومت علوی را به شیعیان ارمغان داد.

غدير اگر چه نقطه‌ای نورانی و شادمانی بخش تاریخ شیعه است اما این شادمانی محصول یک فرایند ناب است، فرایندی که هیچ گاه چشمان جاه طلب، آن را تاب نیاوردند.

راستی نمی‌گویم که غدير را شادبانه برگزار نکنیم اما آنگاه که در مقام ذکر علی بر می‌آییم باید بدانیم که آل علی تنها با خون دل‌های سترگ توانستند این ودیعه الهی را به نسل‌های بعد تقدیم کنند.

غدير، سقیفه، کربلا... و تمام اتفاقات تاریخ شیعه محصول عشقی است که در وجود خاندان رسول جلوه کرده بود و حتی انقلاب اسلامی ما نیز ادامه همان غدير و کربلاست. بی‌راهه نیست اگر بگوییم پیشینه انقلاب اسلامی ما نیز غدير است چرا که غدير اکمال دین است و اکمال دین محمدی یعنی کربلا...

در یکی از شعرهای علیرضا قزوه می‌خواندم که: ابتدای کربلا مدینه نیست، ابتدای کربلا غدير بود. راستش در نگاه اول یک ناهمگونی خاص یا به قول اهل روشنفکری یک پارادوکس عجیب دیده می‌شود. از طرفی، کربلا مجموعه‌ای از اتفاقات تلخ است که به شهادت امام سوم شیعیان منجر می‌شود و از سوی دیگر، غدير سالروز دمیدن آفتاب علوی است در آسمان چشمان پیامبر خاتم.

وقتی کمی به این دو مقوله فکر کنیم در خواهیم یافت که بی‌شک ابتدای کربلا غدير است. غدير نقطه‌ای نورانی از تاریخ است که چشمان شب پرستان را کور کرده است. آن روز که بازوان مولای خیر در دستان پیامبر قرار گرفت چشمان حسودی که درست یک سال بعد سقیفه را در نخستین لحظات خاموشی پیامبر تشکیل دادند تاب دیدن این افتخار تاریخی را نداشتند.

آری ابتدای مصیبت کربلا همان روزی بود که چشمان حسود نتوانستند تاب بیاورند. کربلا همان داغی است که فرزندان هند جگر خوار از حمزه دیدند همان فروپاشی ناگواری که عاشقان عبود چشیدند.

غدير که آینه صلاحیت علوی آغاز مظلومیت آل آفتاب است، مظلومیتی که برای تثبیت شیعه به دوش این خاندان گذاشته شده

سر دیر